

## چرا حضرت مهدی ظهور نمی‌کند؟

آیت‌الله جعفر سبحانی، دلایل عقلی و نقلی در خصوص راز تأخیر ظهور حضرت مهدی (عج)، را تبیین کرد.



آیت‌الله جعفر سبحانی، دلایل عقلی و نقلی در خصوص راز تأخیر ظهور حضرت مهدی (عج)، را تبیین کرد.  
\*چرا حضرت مهدی(ع) ظهور نمی‌کند؟\*

برنامه حضرت مهدی(ع) با برنامه پیامبران و سایر پیشوایان یک تفاوت کلی دارد و آن این که برنامه وی قانونگذاری نیست، بلکه یک برنامه به تمام معنی اجرایی در تمام جهان است. به این معنی که او مأموریت دارد تمام اصول تعالیم اسلام را در جهان پیاده کند و اصول عدالت و دادگری و حق و حقیقت را در میان جامعه بشری بگستراند.

روشن است که پیاده شدن چنین برنامه انقلابی جهانی، که به وسیله آن اصول عدالت و دادگری و حق و حقیقت در میان همه مردم جهان گسترش یابد، به شرایط و مقدماتی نیاز دارد که تحقق آنها جز با مرور و تکامل همه جانبه اجتماع ممکن نیست؛ برخی از آن مقدمات عبارتند از:

### 1. آمادگی روحی

در درجه نخست باید مردم جهان برای اجرای این اصول، تشنه و آماده گردند و تا زمانی که در مردم جهان تقاضایی نباشد، &#171;عرضه؛ هر نوع برنامه مادی و معنوی مؤثر نخواهد بود. قانون عرضه و تقاضا نه تنها در نظام زندگی اقتصادی حکمفرماست، بلکه مشابه این نظام در عرضه برنامه‌های معنوی و اصول اخلاقی و مکتب‌های سیاسی و انقلابی نیز حاکم می‌باشد و تا در اعماق دل مردم – برای این نوع امور – تقاضا و درخواستی نباشد، عرضه آن با شکست رو به رو شده و کاری از پیش نخواهد رفت. امام باقر(ع) می‌فرماید: &#171;روزی که قائم آل محمد(ص) قیام کند، خدا دست خود را بر سر بندگان می‌گذارد، در پرتو آن خردها را جمع می‌گرداند و شعور آنان به حد کمال می‌رسد.&#171;

البته گذشت زمان و شکست قوانین مادی و پدید آمدن بن‌بست‌های جهانی و کشیده شدن بشریت بر لب پرتگاه جنگ، مردم جهان را به تنگ آورده و آنان را به این حقیقت واقف خواهد ساخت که اصول و قوانین مادی و سازمان‌های به اصطلاح بین المللی، نه تنها نمی‌توانند مشکلات زندگی را حل کنند و عدالت را در جهان حکمفرما سازند، بلکه همین خستگی و یأس، مردم دنیا را برای پذیرش یک انقلاب بنیادی مهیا و آماده می‌سازد و می‌دانیم که این موضوع نیاز به گذشت زمان دارد تا تجربه‌های تلخ زندگی ثابت کند که تمام نظامات مادی و سازمان‌های بشری در اجرای اصول عدالت و احقاق حق و برقراری امنیت و آرامش، عاجز و ناتوان می‌باشند و سرانجام باید بر اثر یأس و نومیدی، این تقاضا در مردم گیتی برای تحقق چنان آرمان الهی پدید آید و زمینه برای عرضه یک انقلاب جهانی به وسیله یک مرد الهی و آسمانی، از هر نظر مساعد گردد.[2]

### 2. تکامل علوم و فرهنگ‌های انسانی

از سوی دیگر برای برقرار ساختن یک حکومت جهانی بر اساس عدل و داد، نیاز فراوان به پیشرفت علوم و دانش‌ها و فرهنگ‌های اجتماعی و مردمی است که آن نیز بدون پیشرفت فکری و گذشت زمان، ممکن و میسر نمی‌گردد. برقراری حکومت جهانی که در پرتو آن، در سراسر جهان عدل و داد و قانون حکومت کند و همه مردم جهان از کلیه مزایای فردی و اجتماعی اسلامی بهره‌مند گردند بدون وجود یک فرهنگ پیشرفته در کلیه شوون بشری امکان پذیر نیست و هرگز بدون یک فرهنگ کامل، جامعه عمل به خود نمی‌پوشد. این نیز احتیاج به گذشت زمان دارد.

### 3. تکامل وسایل ارتباط جمعی

از طرفی چنین حکومتی به وجود وسایل کامل ارتباط جمعی نیاز دارد تا در پرتو آن بتواند مقررات و احکام و اصول انسانی را از طرق مختلف در مدت کوتاهی به مردم جهان اعلام کند. این امر نیز بدون تکامل صنایع انسانی و گذشت زمان محقق نمی‌شود.

### 4. پرورش نیروی انسانی

از همه اینها گذشته، پیشبرد چنین هدفی و پی‌ریزی چنان انقلابی، به یک نیروی فعال و سازنده انسانی نیاز دارد که در واقع ارتش انقلاب جهانی را تشکیل می‌دهد. تشکیل چنین ارتشی و به وجود آمدن چنین افراد پاکبخته و فداکاری، که در راه هدف و حقیقت از همه چیز بگذرند، به گذشت زمان نیاز دارد.

\*منطق اسلام در آزمون‌ها

اگر در برخی از روایات می‌خوانیم که فلسفه طولانی شدن غیبت امام زمان، همان امتحان و آزمایش مردم است، ممکن است ناظر به همین نکته باشد؛ زیرا امتحان و آزمایش در منطق اسلام به معنی آزمون‌های معمولی و کشف امور پنهانی نیست؛ بلکه مقصود از آن پرورش روحیات پاک و پدید آوردن حداکثر ورزیدگی در افراد می‌باشد. [3]

مجموع این جهات چهارگانه [4] نیاز به این دارد که زمان قابل ملاحظه‌ای بگذرد و جهان از بسیاری جهات پیش برود؛ و آمادگی روحی و فکری برای پذیرش حکومت جهانی بر اساس حق و عدالت در مردم پدید آید؛ آنگاه این برنامه با وسایل و امکانات خاصی در سطح جهانی وسیله حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - پیاده گردد و این است گوشه‌ای از فلسفه غیبت طولانی امام (ع).

[1]. کافی: 25/1، کتاب العقل، ح 21.

[2]. یکی از نشانه‌های روشن قیام امام زمان که احادیث اسلامی همگی بر آن اتفاق دارند این است که سراسر اجتماع بشری را جور و ستم و تعدی و بیدادگری فرا می‌گیرد و ابرهای یأس و نومیدی زندگی جامعه انسانی را تیره می‌سازد و در حقیقت فشار ظلم و تعدی آن چنان بر دوش آنان سنگینی می‌کند که انسان را برای پذیرش انقلاب دیگر، انقلابی عمیق و بنیادی به دست توانا و نیرومند یک مرد الهی آماده می‌سازد.

[3]. تمام آزمونهای الهی که درباره پیامبران و اولیای وی انجام می‌گیرد برای همین منظور است. اگر خدا ابراهیم را با تکالیف و وظایف سنگینی آزمود، چنان که می‌فرماید: [وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ](#)؛ (سوره بقره، آیه 124) برای همین هدف بوده است تا این رادمرد الهی به قدری در کوران حوادث قرار گیرد که در صلابت و استقامت به صورت فولاد آب دیده درآید.

[4]. مجموع این جهات چهارگانه را می‌توان در امور زیر خلاصه نمود: 1. تکامل روحی، 2. تکامل فرهنگی، 3. تکامل وسایل ارتباط جمعی، 4. تشکیل یک ارتش انقلاب جهانی از یک جمعیت پاکبخته و فداکار.

منبع: مرکز خبر حوزه